

آلات موسیقی قدیم ایران

و دیگر کشورهای خاورمیانه

از دکتر مهدی فروغ



نای - مزمار - سورنای - شیپور - کرنا

در مقاله شماره پیش اشاره کردیم که شیپور راست و بلندی که در دوره ساسانی معمول بوده با خیابال قوی همانست که در آثار شعری بعد از اسلام آنرا روئین نای یا نای روئین گفته اند. فردوسی علاوه بر این از سازهای بادی دیگری نام میبرد که عبارتند از: کرنا، بوق و شیپور. این سازها همه در صحنه های کارزار بکار میرفته است و فردوسی هم ضمن توصیف عرصه بیکار از آنها اسم میبرد.

ابن غیبی در سده نهم هجری در جامع الالحن کرنا را ساز خمیده ای توصیف میکند ولی کرنائی که تاچندی پیش در دستهای نقاره خانه مورد استفاده بود راست بود و هنوز هم نمونه های آنرا (شاید) بتوان یافت. بعضی از محققان اروپائی چنین اظهار عقیده میکنند که این کلمه که

بصورت‌های مختلف کرنای (باتشدید و بدون تشدید راه) و قره‌نای ضبط‌شده در اصل سامی است و با کلمه «قارنو» ی آسوری و «قرن» عبری و «قرن» عربی که بمعنی شاخ است، از یک ریشه میباشند. ولی فرهنگ نویسان فارسی «کر» را مساوی با «خر» گرفته‌اند و گفته‌اند که چون صدای آن شبیه عرعر خر است از اینجهت آنرا خر نای نامیده‌اند که برور ایام کرنای شده‌است.

اولیاء چلبی در سیاحت‌نامه خود مینویسد که کرنای (باتشدید راه) شیورخمیده‌ای است که باقره میسازند و صدای عرعر خراز آن بیرون می‌آید. همچنین میگوید که سلطان مراد چهارم در سده یازدهم هجری این ساز را از ابروان به قسطنطنیه آورد.

دوساز دیگر یعنی بوق و شیور با احتمال قوی در قدیم باشاخ حیوان ساخته شده‌است. در برهان قاطع مینویسد که: شیور بکسر اول با بای فارسی بروزن بی‌نور نفیر را گویند که برادر کوچک کرناست و آنرا نای رومی نیز خوانند.

بعضی از محققان و علمای علم ساز شناسی کلمه شیور را با کلمه آسوری شب پرو Shapparu و کلمه عبری شپهر Shophar و کلمه عربی شب بور Shabbur از یک ریشه دانسته‌اند.

بشقاب سیمینی متعلق بدوره ساسانی در موزه بریتانیا هست که در روی آن سازی باین وصف نقش شده‌است. ساز مزبور در دست پست‌ترین افراد هیئت ارکستر میباشد. دکتر هنری جرج فارمر چنین اظهار نظر میکند که کلمه شیور محتمل است همان کلمه پهلوی «سپار» (Spar) که نام سازی است باشد که تعریف شده و باین صورت در آمده‌است. ولی پروفوسور کریستن سن با اینکه با این نظر موافقت ندارد مخالفتی هم با آن نمیکند. و اما راجع به بوق که ابن‌غیبی آنرا «باق» ضبط کرده نیز چند کلمه بیان میکنیم. بنا به اظهارات فارمر در موزه باستانشناسی شهر لنینگراد بشقایی متعلق بدوره ساسانی موجود است که در روی آن شش نفر نوازنده بوق دیده میشود. این بوقها شباهت زیادی بشاخ حیوانات دارد.

برهان قاطع مینویسد که این ساز را در حمامها و آسیاها و هنگامها

مینوازند. اشخاص معمر خوب بیاد دارند که تاسی چهل سال پیش این ساز را بعنوان دعوت مردم بحمام مینواختند و در حقیقت اعلان بازبون و آماده بودن حمام برای پذیرائی از مشتریان محسوب میشد. این بوق از شاخ کوچک منحنی شکلی درست شده بود که در هنگام نواختن در دو مشت نوازنده مخفی میشد.

قدیمترین ذکرى که از این ساز در تواریخ هست مربوط بدوره خلفای راشدین میباشد. بوق که در آن دوره هنوز بصورت ساز رزمی در نیامده بود در ردیف قصابه یا قصبه و مزمار در کتابهای آن دوره ذکر شده است. در دوره خلفای عباسی بود که این ساز بصورت ساز رزمی درآمد زیرا خلفای عباسی توجه زیادی بجلال و شکوه مقام خلافت و فرمانروائی داشتند و از این جهت بموسیقی نظامی اهمیت میدادند. ابن خلدون بصدای تیزورسای بوق و ضربه‌های مهیج طبل اشاره میکند و میگوید اعراب صدر اسلام با اهمیت و تأثیر صدای این سازها آگاه نبودند. بوق از حوالی سده دوم هجری بصورت ساز نظامی درآمد و از آن بعد هر جا ذکرى از آن میشود در ردیف طبل (جمع طبل) و مزامیر و صنوج (جمع صنج) آمده است.

ناصر خسرو در سفرنامه خود مینویسد که در هیئت نوازندگان نظامی سلسله فاطمی سازهای بوق و طبل و کوس و کاسه و دهل و سورها بکار میرفت. علمای دوره عباسی بوق و نفیر را گاهی جدا ذکر کرده‌اند و گاهی بصورت بوق و نفیر.

بوق که با احتمال قوی کلمه عربی است در دوره جنگهای صلیبی مردم کشورهای اروپا معرفی شد و بعنوان البوگون (Albogon) در اسپانیا و اندلس و بعنوان بوکینا (Buccina) در کشورهای لاتین متداول گردید. ابتداء این ساز را باشاخ ولی بعد با فلز میساختند و زبانه یا شعیره‌ای بر سر آن می‌نهادند و سوراخهایی بر آن میکردند و مینواختند: ابن خلدون آن را کاملترین نوع سازهای بادی میداند.

در اینجا لازم است چند کلمه هم راجع به نفیر بیان کنیم. برهان قاطع میگوید نفیر بر وزن حصیر برادر کوچک کرنا را گویند و بمعنی فریاد هم هست.

درحاشیه برهان (چاپ دکتر معین) شکل قدیمی تر نفیر، نفور و شیپور
مغرب نفیر ذکر شده است. نفیر هم از جمله سازهایست که بتوسط جنگجویان
صلیبی از حوالی خاور میانه و نزدیک بارو پاراه بافته و بصورت انافل (Anafil)
درآمده است. اولیای چلبی در سیاحت نامه خود مینویسد نفیر که يك آلت
بادی راستی است بتوسط خداداد نام اصفهانی اختراع شده است و رنوف
یکتایک مینویسد که در ترکیه این کلمه را در مورد شاخ گاوی که بصورت
ساز بادی درآمده باشد و در ویشهای بکتاشی مینوازند اطلاق میشود. در زمان
اولیای چلبی نفیر مسلماً ساز فلزی و مستقیم بوده است و این غیبی طول آن را
معادل ۱۶۸ سانتیمتر ذکر کرده است.

سورنای پیش از سازهای دیگر مورد علاقه و توجه بوده و به همین جهت
انواع مختلفی دارد این ساز در دوره سلاطین عثمانی در ترکیه رونق بسزای
داشته و اولیای چلبی انواع مختلف آنرا بتفصیل ذکر میکند. این نویسنده
اختراع آنرا بجمشید نامی که از موسیقی دانها و نوازندگان و آهنگ سازان
معاصرش بوده و در ایاصولوق^۱ بسر میرده نسبت داده است.

سورنای در ترکیه از مهمترین آلات موسیقی نظامی محسوب میشود
و نویسندگان آن سامان آنرا بصورت های مختلف سورنا، زورنا، زورنا، ظورنا
ضبط کرده اند. بدنه سورنا از چوب ساخته شده و کولیهادر نواختن آن مهارت
نامی دارند.

انواع مختلف سورنا که در ترکیه معمول بوده از این قرار است:
قبا زورنا که براتیل بزرگتر از سونای معمولی است. بعید نیست که
قبا زورنا و زمرالکبیر که در مصر متداول است یکی بوده باشد. این ساز
در موسیقی نظامی ترکیه صدای باریتون را داشته است. طول این ساز
در حدود ۶۰ سانتیمتر بوده و هفت سوراخ در رو و یک سوراخ در زیر برای
انگشت شست داشته است.

۱ این همان شهری است که یونانیها آنرا «افسوس» Ephesus مینامیدند
و خرابه های آن هنوز باقیست. شهر مسزبور در مغرب ترکیه و در حدود
پنجاه کیلومتری جنوب غربی از میر واقعت و یکی از دوازده شهر یونان در ساحل
غربی ترکیه بوده است و آنرا شهر مقدس دیانا مینامیدند.

دیگر جوری زورناست که سوردنای کوچکی است که اولیاء چلبی
مخترع آنرا جمشید ذکر میکند و ظاهراً این همان جمشیدی است که قبل
ذکر کردیم. این ساز صدای لطیف و ظریفی داشته و بیشتر در نواحی وان و
ارض الروم و بین قبایل کرد در رواج داشته است. در مصر سازی است بنام زمرا الصغیر
که بعید نیست همین جوری زورنا باشد. طول جوری زورنا در حدود ۳۰
سانتیمتر بوده است.

دیگر آصفی زورناست که اولیاء چلبی مخترع آنرا طیار محمد پاشا
حاکم بصره ذکر میکند. ریوف یکتاییک میگوید این ساز فعلاً از میان
رفته و توضیح میدهد که چون آصف یعنی وزیر است و در قدیم هر وزیری در
دربار خلفای عثمانی یک دسته نوازنده مخصوص (مہترخانه) داشته است شاید
بتوان احتمال داد که آصفی زورنا یک سوردنای زیبا و جواهر نشان و طلا کوبی
بوده که بتوسط این نوازندگان بکار میرفته است.

نظر دیگر اینست که چون آصف لقب وزیر حضرت سلیمان بوده
نوازندگان این ساز او را مراد و مرشد خود خوانده اند چنانکه نوازندگان
نی حضرت داود و یا حضرت سلیمان را پیر و هادی خود میدانند.

دیگر از سازهایی که اولیاء چلبی ذکر میکند شهابی زورنای است که
مخترع آن را شیخ شهاب نامی ذکر میکند. این ساز در نواحی مغرب یعنی
الجزیره و مراکش رواج داشته و در آن نواحی بنام غیطه یا غاططه معروف
است. این بطونه غیطه را زورنا مشابہ میدانند. غیطه هم دو نوع است. یک
نوع آن استوانه‌ای و دارای یک شعیره یا زبان است و نوع دوم مخروطی و
دارای دو شعیره است.

دیگر از انواع سرنا عربی زورناست که اولیاء چلبی مخترع آنرا
علی ناد نامی از مردم سوریه ذکر میکند. یکی دیگر هم عجمی زورناست که
بسی شباهت به قبا زورناست.

ساز دیگری که از جمله سازهای بادی باید در اینجا ذکر کنیم عراقیه
نام دارد و با احتمال قوی پدر سازی است از سازهای اروپائی بنام راکت -
Rackett که سازی است بین ابوا و باسون. لوله این ساز بشکل استوانه
است و دارای دو شعیره میباشد و شاید همان باشد که امام غزالی آنرا نای-

العراقی مینامد .

دردوره اسلامی نای از سازهای بوده که مخصوصاً در هوای آزاد و باز بیشتر معمول بوده است . چنانکه در کتاب هزار و یکشب ملاحظه میشود که در مجالس جشن و سرور چوپانی در صحرا و بیابان و همچنین در موسیقی نظامی بکار میرفته است . نای از جمله سازهای ایرانی است که در نواحی عربستان و سایر کشورهای اسلامی زیاد مورد تمایل و پسند واقع شده چنانکه کلمه النای را بطور مطلق بسازهای بادی اطلاق میکردند . يك نوع نای بزرگ در قدیم وجود داشته که آنرا بطلال مینامیدند ولی فعلاً از میان رفته است .

کلمه نای در زبان پهلوی ناذ Nadth تلفظ میشده و نای معرب آنست ایرانیان نای کوچک را پیشه مینامیدند چنانکه در برهان قاطع مینویسد : پیشه - .. سازی هم هست از نای که شبانان نوازند . مؤلف کنزالتحف نیز نای کوچک را پیشه میخواند و این همانست که در رومانی آنرا پیشک میگویند . دونای را که از اسبش پیدا است نای مضاعف بوده نیز بایرانان نسبت داده اند این خرد داده که این نکته را تذکر میدهد اولین کسی است که در دنیای اسلام از این ساز نام میبرد . فارابی آنرا دیانی مینامد و بلسان عرب آنرا مزمار المثنی یا مزدوج نیز گفته اند . فارابی توضیح میدهد که طول این دونای مساویست و هر يك دارای پنج سوراخ میباشد که بر روی هم يك دور کامل (او کتاو) از آن حاصل میشود . بعضی هم آنرا دو آهنگ نامیده اند .

از انواع نای غیر از دونای از نای داوود و نای شاه و نای منصور و نای مسحسن و نای معروف بفرهنگ شهر یاری را باید نام ببریم . شاه نای یا نای شاه بیشتر در مصر معمول بوده و طولش ۷۷ سانتیمتر بوده است . در فرهنگ موسیقی لاوینناک (Lavignac) مینویسد که نای را پیشه نیز مینامیدند و بعضی هم آنرا نای ایض در مقابل نای اسود ذکر کرده اند .

در عربستان اهمیت نای بطول آنست و در زبان یونانی ضرب المثلی است که میگویند : آدم پر گو شبیه نای عربی است . در سده پنجم هجری سازی در مصر معمول بوده است که آنرا موصول مینامیدند و احتمال دارد همین دونای بوده باشد .

نوع دیگری از دونای هست که فقط یکی از دونای آن سوراخ دارد و نای دیگر يك صدای ثابت و دائم بهمراهی آهنگ موسیقی مینوازد. درست حالت نی انبان اسکاتلندی را داشته که در آن نغمه « می » همیشه ثابت و بهمراهی لحن شنیده میشود. این ساز را بعضی زماره نیز مینامند و اگر لوله نغمه ثابت بلندتر از لوله دیگر باشد آنرا ارغول یا ارغون میخوانند. لوله نغمه ثابت را در اصطلاح موسیقی زیادات میگویند و نوع کوچک ارغون در نواحی سوریه و شامات مسحوره نام دارد.

نی انبان در دوره اسلامی دارای يك نای با پنج یا شش سوراخ بوده است. لوله نغمه ثابت سوراخ نداشته ولی دارای يك شعیره بوده است ولی گاهی مثل دونای هر دو سوراخ داشته است و شاید بهمین جهت بعضی آنرا زماره نیز خوانده اند.

برهان قاطع مینویسد: نای انبان نی انبان است و آن انبانی باشد که بریک سر آن پنجه وصل کرده اند و آن پنجه سوراخی چند دارد. آن انبان را پرباد کنند و در زیر بغل گیرند و خوانند و رقصند و نوازند.

در دوره اسلامی این ساز شهرت زیاد داشته و بانواع و اقسام مختلف از جمله باقطعات طلا و نقره و منگوله و غیره آنرا تزئین میکردند.

اما موسیقار یا چند نای (اولیاء چلبی) که با املاءهای مختلف موسیقار و متقال و موسقار و مسقال در کتابهای مختلف ضبط شده سازی بوده شبیه ارغون دهنی (رجوع کنید بمقالات سابق همین رشته مقالات) در مفاتیح العلوم کلمه موسیقار بمصنف موسیقی اطلاق میشود و مطالعات فرسنگی

در برهان قاطع راجع به موسیقار همیشه اینست: باقاف، بر وزن بوتیمار، سازی است معروف که آنرا از نیهای بزرگ و کوچک باندام مثلث بهم وصل کرده اند؛ و بعضی گویند سازی است که درویشان دارند و بعضی دیگر گویند سازی است که شبانان نوازند. اولیاء چلبی میگوید اولین کسی که این ساز را مینواخت فیثاغورث و بعد از او حضرت موسی بود و از همین رو کلمه موسی موسیقاری بوجود آمد. در فرهنگ شعوری موسیقار ضبط شده و حاج خلیفه آنرا موسیقار یاد کرده است و شاید این همانست که امروزه در بالکان موسکال مینامند.

چلبی انواع مختلفی از آن ذکر میکند و میگوید بزرگ آنرا بطل و کوچک آنرا جرقت بر وزن گرفت مینامیدند. در زبان ترکی آنرا مزمار دودگی میخوانند و این نوع ساز گو که فعلا در ترکیه معمول نیست اما نوعی از آن در رومانی وجود دارد.

چیک چینی (باچ مکسور) یا شنگ نیز از انواع نای است که در مفاتیح العلوم اینطور وصف شده است: این ساز دارای نایهای زیادی است بنام «عنایب» و بفارسی آنرا بشامشته مینامیدند. ابن غیبی همین ساز را موسیقار خطائی ذکر میکند و توضیح میدهد که دارای دونای بوده است.

اعراب صدر اسلام نای را قصابه مینامیدند و بعد همین کلمه به قصبه تبدیل شد ولی پس از ظهور اسلام و آشناسدن آنها با آلات موسیقی ایرانیان و نفوذ موسیقی ایرانی در سرزمین اعراب این ساز بکلی از بین رفت و فقط اسم آن در افواه باقی ماند. ایرانیان این نای را نای بزم مینامیدند تا از نای مطلق و سورا نامتمایز باشد. اعراب خود کلمه نای را از ایرانیان گرفتند. نویسندگان اسلامی ضمن بحث راجع به آلات موسیقی نای و قصبه هر دو را بکار میبرده اند. مؤلف مفاتیح العلوم راجع به «یراع» نیز بحث میکند و صفی الدین - عبدالؤمن ارموی نیز آنرا در کتاب خود ذکر کرده است.

ساز دیگری که ذکرش در اینجا ضروری است شبابه است که بیشتر در نواحی عراق عرب معمول بوده و این ساز نیز پارو یا نفوذ کرده و در کتابهای اروپائیان آنرا Exabeba ضبط کرده اند. اما مزمار که از همان نوع نای است بنا بقول فارابی صدایش از نای قویتر بوده است. اولیاء چلبی مزمار را در جزء سازهای از قبیل موسیقار و ارغنون دهنی ذکر میکند و میگوید این ساز از یکدسته نای ساخته میشود. فارابی همچنین میگوید پس از اینکه صوفی ها و عرفانای رادر مجالس ذکر خود بکار بردند این ساز بتدریج جزء سازهای مجلسی درآمد.

صفی الدین میگوید نای دارای هشت سوراخ است و سوراخ شست که در پشت آنست شجاع مینامد.

ابن غیبی از چند نوع مختلف نای صحبت میکند که از جمله یکی نای بم است که میگوید صدای آن معادل صدای سیم بم عود و طولش در حدود

۶۵ سانتیمتر است و یکی نای زیر است که صدایش معادل سیم زیر عود و طولش در حدود ۳۳ سانتیمتر میباشد. نایهای ترکی و مصری بطور عموماً دارای يك ورقه دایره شکلی هستند که لب نوازنده هنگام نواختن بآن تکیه میکند.

در بعضی از نواحی ایران و سوریه و لبنان و فلسطین نای هفت سوراخی هنوز هم رواج دارد.

نی لبك یا سوت که بتر کسی دودك مینامند نیز از جمله سازهای بادی است که در احوان الصفا و مفاتیح العلوم از آن صحبت میشود و این ساز همانست که در اروپا نظیر آنرا رکوردر Recorder یا فلاژوله Flageolet مینامند. اولیاء چلبی میگوید دودك را جعفر شاه در موصل اختراع کرده است. کلمه دودك که بانواع مختلف دودوك و دودك نیز ضبط شده بتر کمنی توتیک و بفارسی طوطك نامیده میشود.

نوع دیگر دودك را عربی دودك مینامند که محتمل است همان صفاره باشد.

نوع دیگر دودك نیز در مجارستان معمول است که بتر کی مسجار دودکی مینامند.

مهر دودکی نوع دیگری از این ساز است که اولیاء چلبی مخترع آنرا خواجه نصیرالدین طوسی ذکر میکند و میگویند این ساز بیشتر در خاندان سلطنتی برای تمرین بکار میرفته است.

انواع دیگر نی لبك که بتر کسی دودك میگویند عبارتست از دانسکیو - دودکی و چاغرتمه دودك و دلی دودك. ساز اخیر را بعضی با زماره یکی میدانند. اولیاء چلبی بر روی هم این نوع دودك ذکر میکند که ما فعلاً بهمین مختصر قناعت میکنیم.

شاهین نیز يك نوع نی لبك بخصوصی بوده که سه سوراخ داشته و با انگشتهای يك دست نواخته میشده است و نوازنده آن با دست دیگر طبل مینواخته است. بهمین جهت است که الفزالی اصطلاح شاهین طبال را ذکر میکند.

صغیر عبارت بوده است از دو قطعه استخوان که پهلوی هم میگذاشتند و در دهان قرار میدادند و از لای شکاف آن میدیدند و صدای یکنواختی از

آن بوجود می آمد . بعضی صدای پرندگان را با آن تقلید میکردند . (صفیر بلبل) اولیاء چلبی مخترع آنرا شیخ ابوعلی بن سینا میداند . صفیر همچنین سازی است که بفارسی سوتک مینامند و عبارتست از یک کاسه برنجی و سوتکی که بآن مربوط است . کاسه را پر از آب میکردند و در آن میدمیدند و صدائی شبیه صدای پرندگان در می آوردند .

قوال نیز بعقیده اولیاء چلبی اولین سازی بود که بشر اختراع کرده است . این نویسنده مخترع آن را فیثاغورث میداند و میگوید در شبهای عروسی در دیه‌ها نواخته میشود .

این ساز خیلی ابتدائی و ناقص و صداهای آن غلط است و سوراخ‌های آن معین و ثابت نیست بعضی از آنها شش و بعضی هفت سوراخ دارد . چوپانان اغلب هنگام جمع آوری گوسفندان آن را مینوازند .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی